

تأثیرات توسعه شهری بر گسترش ابعاد فرسودگی بافت‌های تاریخی، مورد مطالعاتی: محله فیض آباد شهر کرمانشاه*

حامد بنی عامریان^۱ - علیرضا عندلیب^{۲*} - لعلا جهانشاهلو^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

چکیده

مفاهیم توسعه شهری و جاماندگی بافت‌های تاریخی از فرایند توسعه، پدیده‌هایی متناظر در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه هستند که به طور عموم به دلیل رشد صرفاً فیزیکی آن هم از نوع خطی روی می‌دهند. در این رابطه، پژوهش حاضر با هدف شناخت روند صحیح توسعه فضایی شهر کرمانشاه به عنوان مطالعه‌موردی تحقیق به تحلیل جریان‌های غیراصولی توسعه بر محله تاریخی فیض آباد و متعاقباً شناسایی عوامل منفی مؤثر بر ایجاد فرسودگی و افزایش ابعاد آن در این محله پرداخته است. از منظر روش‌شناسی تحقیق، این پژوهش با تمرکز بر راهبرد موردکاوی و به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده و در نهایت به منظور تدقیق و تایید فرضیه تحقیق مبنی بر این که روند رشد فیزیکی شهر در بازه‌های تاریخی مختلف، منجر به جاماندگی بافت تاریخی از فرایند توسعه گردیده و پیوند اجتماعی - کالبدی محله مذکور را با کل شهر مخدوش کرده است با نظرسنجی از خبرگان مسلط بر بافت، در قالب یک درخت تصمیم‌گیری، امتیازدهی و تثبیت شده است. بدین طریق که با وزن‌دهی و امتیازدهی آیت‌های استخراج شده از چهارچوب نظری تحقیق به تدقیق اولویت مولفه‌های مدل مفهومی پژوهش منتج شد و از این طریق امکان رتبه‌بندی پیامدهای منفی توسعه را در ارتباط با فرسودگی بافت تاریخی مورد مطالعه میسر ساخت. نتایج حاصل از این پژوهش گویای این است که افزایش اندازه شهر در دوره‌های تاریخی، هیچ تناسب و سنخیتی با رشد جمعیت نداشته و به‌ویژه بر اثر سیاست‌های ناصحیح در خصوص واگذاری زمین پس از انقلاب اسلامی، فرسودگی محله فیض آباد افزایش یافته و معضلاتی نظیر عدم تعادل بخشی به شهر، شکل‌گیری عرصه‌های وسیع در رقابت با بافت مرکزی، افزایش هزینه‌های نگهداری و سکونت‌گاه‌های غیررسمی پدید آمده است. لازم به ذکر است که نتایج کاربردی پژوهش به صورت رتبه‌بندی مولفه‌ها و خروجی درخت تصمیم‌گیری در قالب پیشنهاداتی برای طرح‌های آتی مرمت محله تاریخی فیض آباد ارائه شد.

واژگان کلیدی: توسعه شهری، فرسودگی، بافت تاریخی، محله فیض آباد کرمانشاه.

* این مقاله مستخرج از مطالعات رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول است که با عنوان «تحلیل ارتباط بازآفرینی مراکز تاریخی و محرک‌های توسعه شهری - مطالعه موردی: بافت قدیم کرمانشاه» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۴۰۰ به انجام رسیده است.

** Email: a.andalib@srbiau.ac.ir

۱. مقدمه

توسعه کلان شهر و ایجاد پدیده فرسودگی، دو مفهوم مطالعاتی هستند که عمدتاً به صورت مجزا دیده شده و نتایج ارتباطی آنها تا حدود زیادی مبهم مانده است. در صورتی که این رابطه از اهمیت بسیار برخوردار بوده و به تعبیر حبیبی (۱۳۷۵)، در کتاب "از شار تا شهر"، روند تحولات توسعه شهری معاصر، به شهری از درون پوسیده منجر می‌شود که هسته اصلی خود را فراموش کرده است. در همین راستا پوراحمد و شمعی (۱۳۸۰)، در مقاله خود توسعه فیزیکی نامتعادل در حاشیه و عدم توجه کافی به احیای بافت قدیم را عامل اصلی مهاجرت و رکود کارکردهای بافت قدیم می‌دانند که در بسیاری از شهرهای امروز ایران به وضوح نمایان می‌باشد. یکی از این موارد، شهر تاریخی کرمانشاه است که نمود کنونی آن علی‌رغم سابقه طولانی سکونت دارای بافت مرکزی با ساختار قاجاری بوده و بر بنیانی زندی صفوی بنا شده است. همچنین گسترش سریع این شهر به گونه‌ای پراکنده و در پی اتخاذ سیاست‌هایی خاص در راستای افزایش تراکم و پذیرش مهاجرین به وقوع پیوسته است (عزیزی، ۱۳۸۲). وجود خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی و مهاجرت ساکنین محله‌های اصلی نیز تغییرات گسترده کالبدی و اجتماعی را پدید آورده و به گسیختگی سیمای کالبدی آن منجر شده است. یکی از مهمترین محلات مرکزی این شهر که جزء بافت تاریخی به شمار می‌رود محله فیض‌آباد می‌باشد که در گذشته، محل زندگی افراد فرادست اجتماعی بوده و با رشد و توسعه صرفاً فیزیکی و غیراصولی شهر در دوره‌های مختلف تاریخی، منزوی گردیده و امروزه در برگیرنده اقشار ضعیف و عمدتاً مهاجر است. به طور طبیعی بحران‌های اجتماعی و تعارضات فرهنگی شدید میان ساکنین جدید (مهاجران روستایی فاقد توان اقتصادی و یا غیرتحصیل‌کرده) و جریان فرهنگی غالب شهر، نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی پیچیده‌ای را در این محدوده پدید آورده و به فرسودگی هر چه بیشتر بافت تاریخی آن منتج شده که با توجه به اهمیت این معضل، مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا با شناخت و آسیب‌شناسی روند توسعه فضایی شهر کرمانشاه در ارتباط با فرسودگی بافت تاریخی، فرایند رشد و توسعه فیزیکی ناموزون در جهات نامطلوب را به عنوان عامل توسعه‌نیافتگی و فرسودگی محلات تاریخی و به طور خاص محله فیض‌آباد بیان کرده و به چند و چون این رابطه و راهکارهایی به منظور خروج از این تنگنا دست یابد. لازم به ذکر است که رهیافت به این مهم با بررسی تحولات ناشی از مهاجرت و رشد جمعیت شهر متناسب با اندازه کالبدی (مساحت) آن و تحلیل چرایی کاهش کارایی بافت مرکزی در این زمینه میسر می‌شود. لذا پژوهش حاضر به دنبال تبیین اثرگذاری آن دسته از مدل‌های توسعه شهری است که بر گسترش ابعاد فرسودگی بافت‌های تاریخی، اثر

گذار می‌باشد. همچنین سعی در یافتن نوع رابطه ویژه میان توسعه کلان شهر کرمانشاه و میزان و نحوه اثرگذاری مدل توسعه آن بر فرسودگی بافت تاریخی محله فیض‌آباد دارد. بر این مبنای، اهداف عمده این پژوهش در قالب گزاره‌های زیر قابل بررسی است:

۱. آسیب‌شناسی روندهای رایج توسعه فضایی (اجتماعی، فرهنگی و کالبدی) شهری به‌ویژه در شهر کرمانشاه،
۲. شناخت و تحلیل روند شکل‌گیری بافت فرسوده شهری در مراکز تاریخی در رابطه با مقوله توسعه،
۳. تبیین رابطه جریان‌های توسعه شهر کرمانشاه و ابعاد فرسودگی محله فیض‌آباد از منظر مهاجرت، افزایش جمعیت و متعاقباً اندازه شهر در دوره‌های مختلف تاریخی،
۴. ارائه پیشنهادات راهبردی به منظور برون‌رفت از معضلات فرسودگی بافت تاریخی ناشی از توسعه شهری.

۲. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد در ارتباط با اصل مسئله این پژوهش به عنوان رابطه بین دو پدیده توسعه و فرسودگی در مقیاس شهری به صورت مستقیم، تحقیق جامعی انجام نشده و صرفاً نظریاتی ارائه گردیده که مستلزم کنکاش در جزئیات این رابطه است. لذا در ارتباط با پیشینه تحقیق می‌توان به مواردی اشاره کرد که به صورت غیرمستقیم به این موضوع مربوط شده و یا به یکی از پدیده‌های مورد بحث معطوف گردیده‌اند. از نظریه‌پردازان مطرح در این رابطه الکساندر^۱ است که میزان موفقیت در توسعه کل شهر را در موفقیت ترکیب اجزای آن از جمله هسته قدیم شهر می‌داند. همچنین سیت^۲ هر گونه توسعه را صرفاً همراه با حفظ بافت کهن و تاریخی شهر، موفق ارزیابی می‌کند. سایر نظریه‌پردازان نظیر بلترامی^۳، پارک^۴ و راسکین^۵ هم علی‌رغم تفاوت دیدگاه در ارائه الگوهای توسعه شهر هر گونه توسعه را بدون در نظر گرفتن هسته‌ها و محلات قدیمی، منفی ارزیابی کرده‌اند. برخی از محققان، عوامل اصلی عدم موفقیت در توسعه را توسعه کم تراکم، پراکنده، تنک، جسته و گریخته، ناپیوسته و گسترش به سمت عرصه‌های خارج از محدوده و نواحی کم تراکم حومه شهر همراه با تسلط اتومبیل‌های شخصی در حمل و نقل می‌دانند (Wassmer, 2002, P. 3). این توسعه ناموزون شهر که اصولاً در اراضی آماده روی می‌دهد (Zhang, 2000, P. 123). نتایج بسیاری از جمله افزایش زمین‌های بلااستفاده، افزایش سهم فضاهای خالی، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی را به همراه دارد (Hess, 2001, P. 2). حتی در این رابطه پارادایمی تحت عنوان رشد هوشمند به وجود آمده که با استفاده از عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، توسعه را به نواحی بایر و مجهز به زیرساخت‌های لازم و یا نواحی که می‌توانند به تاسیسات مورد نیاز تجهیز شوند هدایت می‌نماید (Hawkins, 2011, P. 687). سیاست رشد

و این از هم گسیختگی بافت‌های درونی شهر را نتیجه سوداگری زمین در دهه‌های اول انقلاب اسلامی به صورت واگذاری اراضی بایر حاشیه شهرها می‌پندارد. در این رابطه سعیدنیا (۱۳۷۴) توسعه حومه‌های پراکنده در امتداد جاده‌ها و در پهنه اراضی کشاورزی را با سرریز جمعیت از درون شهر به بیرون و نارسایی‌های خدمات شهری مرتبط می‌داند. در حالی که با استفاده از راهبردهای صحیح توسعه شهری بویژه انواع متمرکز بر بافت‌های مرکزی آن می‌توان به توزیع بهینه کاربری‌ها و تخصیص منابع و خدمات شهری پرداخت و از ایجاد نابرابری‌های فضایی، گسترش حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات شهری جلوگیری نمود (احدنژاد، قاسمی و کاظمی، ۱۳۹۳). به نظر بسیاری از اندیشمندان در طول یک و نیم قرن گذشته، فناوری‌های حمل و نقل و البته دانش‌های جدید، بسیاری از شهرها را از هسته‌های تاریخی خود به سمت پیرامون سوق داده و مناطق شهری جدیدی را به وجود آورده است (Buliung, 2011). موید این مطلب، نتایج پژوهش وحدانی چرزه خون و همکاران (۱۳۹۸) بوده که نشان می‌دهد حرکت سرمایه‌گذاران و سوداگران ساخت و ساز در کشاندن جهات توسعه‌های جدید در حومه‌های شرق و شمال شرقی تبریز موجب از بین رفتن محلات مرکزی شهر و ایجاد مراکز و محلات شهری جدید با تحمیل هزینه‌های بالا در اطراف این کلان شهر شده است. از دیگر نمونه‌های قابل توجه، بافت مرکزی شهر زنجان می‌باشد که توکل‌نیا و محمدی (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان می‌دهند تغییرات سریع شهری و توسعه در دهه‌های اخیر و البته مداخله‌های کالبدی غیرهماهنگ با نیازهای جدید، بافت‌های قدیمی آن را با عدم انتظام مواجه گردانده و به فرسودگی کامل سوق داده است. به عنوان جمع‌بندی این بخش، برخی از مهمترین تحقیقات انجام شده و نظریات مطروحه در این رابطه در جدول ۱ ارائه شده است.

هوشمند، رویکرد مناسبی برای یکپارچه‌سازی سیستم حمل و نقل و کاربری اراضی است که از توسعه‌های فشرده و کاربری‌های مختلط در مناطق شهری حمایت کرده و در تقابل با توسعه‌های اتومبیل محور و پراکنده در حاشیه شهر قرار می‌گیرد (Chrysochoou, 2012, P. 188) و به خلق الگوهای کاربری اراضی قابل دسترس، بهبود فرصت‌های حمل و نقل عمومی، خلق جوامع قابل زیست و کاهش هزینه‌های خدمات عمومی منجر می‌شود (Litman, 2005, P. 5; Cooke & De Prop rise, 2011, P. 369). از مهم‌ترین اقدامات داخلی در این زمینه می‌توان مقاله غمامی (۱۳۷۱) تحت عنوان "بررسی و نقد اجمالی طرح‌های جامع شهری" را بر شمرد که در آن سه عامل ناهماهنگی طرح‌ها با طبیعت و ماهیت شهر، ناهماهنگی طرح‌ها با شرایط اجتماعی جامعه و نهایتاً نارسایی نظام موجود مدیریت امور شهری را در فرآیند توسعه در ارتباط با فرسودگی شهری مؤثر می‌داند. همچنین پژوهش‌های تقوایی و سربایی (۱۳۸۳)، رهنما و عباس‌زاده (۱۳۸۷)، و نیز سیف‌الدینی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی، با استفاده از مدل‌های کمی تأیید می‌کنند که الگوی پراکنش شهری در رابطه‌ای قوی با ناپایداری شهرها قرار داشته و قطعاً تبعات این ناپایداری، کل شهر و از جمله بافت تاریخی را از منظر فرسودگی تهدید می‌کند. در این راستا، عزیزی (۱۳۸۲) در تحقیق خود با عنوان "تراکم در شهرسازی، اصول و معیارهای تعیین تراکم شهری" تصمیمات اخذ شده در دوران رضاشاه، تحولات ناشی از جنگ تحمیلی و اجرای سیاست‌های دوران پس از آن را عامل اصلی آسیب به بافت‌های قدیمی و عدم توجه به مفاهیم توسعه درونی شهرهای ایران معرفی می‌کند. فرخ زنوزی (۱۳۸۴) نیز تخلیه مراکز شهری در چهار دهه اخیر شهرنشینی در ایران را عامل متروکه شدن بافت‌های قدیمی دانسته

جدول ۱: جمع‌بندی پیشینه پژوهش

محقق	عوامل زمینه‌ساز توسعه	اثرات توسعه نامطلوب بر فرسودگی بافت‌های مرکزی	راهبرد پیشنهادی
الکساندر (۱۳۷۳)	رشد جمعیت نیاز به کاربری‌های متناسب با زندگی جدید رشد خود به خودی شهر	از بین رفتن پویایی و حیات بافت قدیم مخدوش شدن استخوان‌بندی اصلی بافت مرکزی کاهش خوانایی کالبدی - فضایی تعمیم فرسودگی به کل شهر	توسعه از درون
حیبی (۱۳۸۵)	رشد جمعیت و پدیده مهاجرت عدم هماهنگی ضوابط طرح جامع با کاربری‌های مورد نیاز	آمیزش سطوح نگرش و فرهنگ شهری و روستایی تغییر ساختار اجتماعی افزایش فضاهای تخریبی ترکیب ناهمگون توده و فضا خروج بافت از فرآیند توسعه	توسعه از درون (هویت بافت قدیم به عنوان محرک توسعه)
غمامی (۱۳۷۱)	مداخله دولت از طریق طرح‌های ناهماهنگ با شرایط اجتماعی	آلودگی‌های محیطی متعدد بحران‌های هویتی تغییر ساختار اجتماعی	توجه به ماهیت شهرها و هماهنگی با طبیعت

محقق	عوامل زمینه‌ساز توسعه	اثرات توسعه نامطلوب بر فرسودگی بافت‌های مرکزی	راهبرد پیشنهادی
سعیدنیا (۱۳۷۴)	واگرایی توسعه فیزیکی مهاجرت از درون به برون شهر توسعه پراکنده در امتداد جاده‌ها	تشدید جدایی گزینی اجتماعی انزوای بافت گسترش پیکر مادر شهر	توسعه همگرایانه
فرخ زنوزی (۱۳۸۴)	رشد جمعیت گسترش سطحی شهرها سوداگری زمین اسکان جمعیت در اراضی بایر	تخلیه مراکز شهری و پدیده گریز از مرکز خروج سرمایه از هم گسیختگی بافت افت منزلت اجتماعی	توسعه از درون (مرمت بافت‌های مرکزی به عنوان محرک توسعه)

۳. مبانی نظری تحقیق

همانگونه که پیشتر اشاره شد مبانی اصلی مسئله تحقیق حاضر به دو مفهوم توسعه شهری و فرسودگی بافت‌های تاریخی معطوف می‌شود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱- توسعه شهری و انواع آن

یکی از مفاهیمی که در تعریف آن دشواری‌هایی وجود دارد مفهوم توسعه است که تقریباً مترادف با واژه بهبود^۶ به کار می‌رود (قدیری معصوم، ۱۳۷۹، ۱۶). این مفهوم دارای ابعاد متعدد کیفی و کمی است که در مقیاس شهری می‌توان آن را معادل افزایش کیفیت زندگی از نظر کیفی (ملکی، ۱۳۸۲، ۳) و افزایش تسهیلات برای رفع نیازهای

جامعه از نظر کمی دانست. البته توسعه شهری در سه سطح قابل بررسی می‌باشد: توسعه متصل یا پیوسته (ایجاد شهرک‌های متصل به شهر و در محدوده اسمی شهر)، توسعه شهری منفصل یا ناپیوسته (ایجاد شهرهای جدید با فاصله از مادرشهر) و نهایتاً توسعه درونی که به جای گسترش افقی شهر به دنبال گسترش عمودی آن البته با معیارهایی خاص است. در ارتباط با سطح اخیر، کمیسیون جوامع اروپایی در سال ۱۹۹۰ راه حل شهر فشرده را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه پایدار و آنتی‌تز حومه‌های گسترده و بی‌در و پیکر فعلی می‌داند (درخشان، ۱۳۸۰، ۱). در شکل ۱ انواع توسعه شهری، اقدامات و پیامدهای ناشی از هر یک، تصویر شده است.

شکل ۱: انواع توسعه شهری، اقدامات و پیامدهای آن



زندگی خود رضایت خاطر ندارند (عندلیب، ۱۳۸۶). بافت تاریخی نیز در ایران به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهر اطلاق می‌شود که قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی شکل گرفته و مداخله در این بافت‌ها باید با دیگر مناطق شهر متفاوت باشد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۹، ۶)، لذا به منظور بررسی

۳-۲- فرسودگی بافت‌های تاریخی

بافت فرسوده به بافتی از شهر گفته می‌شود که ارزش‌های پذیرش شهروندی در آن کاهش یافته و چون نیازهای اساسی ساکنانش به درستی برآورده نمی‌شود از شرایط

علی‌الخصوص خروج بافت از روند توسعه شهر، این رابطه را به خوبی آشکار ساخته و موید این مهم است که موفقیت مدل توسعه کل شهر (کمی و کیفی) در ارتباط مستقیم با نقش‌آفرینی هسته‌های قدیمی آن در فرایند توسعه خواهد بود.

دلایل فرسودگی بافت‌های تاریخی و شناخت زمینه‌های فرسودگی، شکل ۲ به صورت خلاصه ارائه شده است. بنا بر مسائل مطرح شده مشخص است که مشخصه‌های توسعه‌یافتگی شهری با نشانه‌های فرسودگی بافت‌ها در تعارض و تضاد است و به عبارتی نحوه توسعه فضاهای شهری در ارتباطی معنادار با مفهوم فرسودگی بویژه در بافت‌های قدیمی می‌باشد. لذا ظهور نشانه‌های فرسودگی

شکل ۲: چرخه شکل‌گیری و تداوم فرسایش انواع بافت‌های شهری

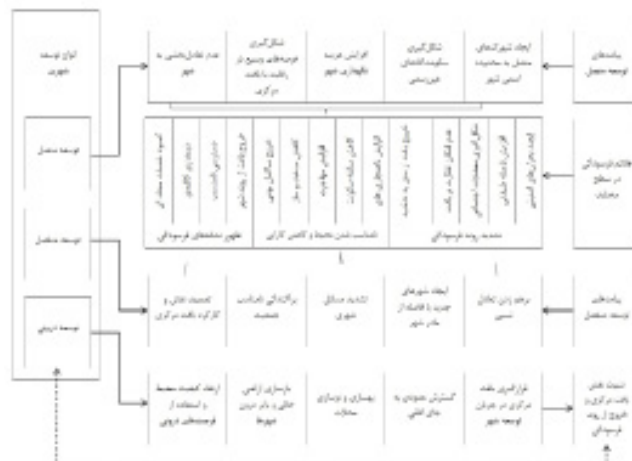


مشخص است که پیامدهای توسعه درونی عموماً مثبت تلقی شده و به خروج از چرخه فرسودگی منجر می‌گردد. از طرفی عمده اقدامات مرتبط با توسعه از انواع متصل و منفصل که در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل شناخته شده به پیامدهایی منجر می‌شود که در نقش متغیر مداخله‌گر، زمینه فرسودگی بافت تاریخی شهر در کلیه سطوح (متغیر وابسته تحقیق) را فراهم می‌سازد.

۳-۳- مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی این تحقیق (ارائه شده در شکل ۳) بر گرفته از چرخه ظهور نشانه‌های فرسودگی بافت‌های مرکزی در ارتباط با انواع توسعه شهری و ویژگی‌های آنها است. به عبارتی از برهم‌نهی و تطابق مؤلفه‌های فرسودگی با پیامدهای انواع توسعه، مدل ذیل پدیدار شده و بر این مبنا

شکل ۳: مدل مفهومی پژوهش (حاصل از برهم‌نهی شکل‌های ۱ و ۲)



به ذکر است که نظر سایر محققین این حوزه در خصوص تأثیرات مدل توسعه بر مرکز و هسته شهر نیز بر نحوه برهم‌نهی صورت گرفته در مدل پیشنهادی این تحقیق دلالت دارد.

لذا مدل توسعه می‌تواند پیامدهایی در خصوص گسستگی بخش‌های مختلف شهری و نامناسب شدن شرایط محیطی و کاهش کارایی بافت به همراه داشته باشد که اثرات آن به گونه‌های ملموس بر بافت مرکزی شهر قابل‌رهگیری است. لازم

پاسخ به سوالات استفاده شد و امتیازات استخراج شده و دادگان حاصل، از مجرای فرآیند امتیازدهی توسط خبرگان و در قالب یک درخت تصمیم‌گیری به اطلاعاتی در ارتباط با رتبه‌بندی مولفه‌ها و به عبارتی ترتیب میزان تاثیر آنها در مفهوم فرسودگی بافت قدیم و البته تدوین و ارائه پیشنهادات راهبردی تحقیق تبدیل شد.

۵. بررسی مطالعه موردی

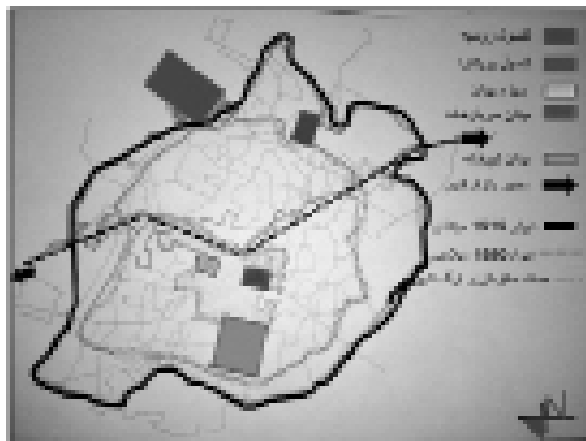
شهر کرمانشاه در مسیر عبور جاده معروف بغداد به خراسان موسوم به راه بزرگ خراسان قرار داشته و به عنوان دروازه آسیا مشهور بوده است (سلطانی، ۱۳۷۳). طبق آمار موجود در طول دوره چهل ساله ۱۳۷۵-۱۳۳۵ جمعیت ساکن این شهر به بیش از ۵ برابر افزایش یافته است (طرح جامع کرمانشاه، ۱۳۸۲). همچنین مطلوبیت سکنی‌گزینی در شهرک‌ها و روستاهای اطراف آن، نشان‌دهنده رشد فیزیکی و جمعیتی آنها می‌باشد که هسته شهر را به شدت متأثر کرده و در درازمدت منجر به تمایل پیوند کالبدی این شهرک‌ها و روستاها و در نتیجه مستحیل شدن زمین‌های آنها در بافت‌های شهری و گسترش فیزیکی حاشیه شهر شده است. در شکل ۴ روند تغییرات اندازه افقی هسته تاریخی شهر دوره‌های مختلف و در جدول ۲ تحولات جمعیتی و تغییرات مساحت شهر ارائه شده که عدم تطابق میزان افزایش مساحت با افزایش جمعیت را آشکار می‌سازد. همچنین نقشه مراحل توسعه کالبدی شهر کرمانشاه در بازه ۱۳۸۵-۱۳۲۰ شمسی به وضوح، جهات رشد اندازه شهر را نشان می‌دهد که انطباق مطالب یاد شده در خصوص ارتباط غیرمنطقی جمعیت و مساحت شهر را تأیید می‌کند (شکل ۵). بر مبنای این دست مستندات جغرافیایی می‌توان اذعان داشت که جمعیت شهر کرمانشاه طی ۵۵ سال ۱۳۹۰-۱۳۳۵ حدود ۷ برابر شده است. در حالی که رشد افقی شهر طی همین مدت بیش از ۳۳ برابر بوده و این امر نشانگر رشد فیزیکی بی‌قواره آن می‌باشد (شاهینی فر، ۱۳۹۵، ۳۳۹).

زیرا پیامدهای توسعه‌های غیر درون‌زا را عموماً متناظر با گسترش پیکر مادر شهر، تخلیه مراکز شهری، خروج بافت از فرایند توسعه و از بین رفتن پویایی و حیات بافت قدیم دانسته‌اند. بنابراین با تصمیم فرآیند ترسیم شده در مدل پیشنهادی به محدوده مورد مطالعه پژوهش که محله قدیمی فیض‌آباد در شهر کرمانشاه است می‌توان فرضیه اصلی تحقیق را به شرح ذیل ارائه نمود: روند توسعه شهر کرمانشاه در بازه‌های مختلف تاریخی که به طور عمده از انواع متصل و منفصل بوده به‌ویژه با مهاجرت گروه‌های کم درآمد روستایی و سکنی‌گزینی آن‌ها در بافت‌های میانی شهر و متعاقباً کسر شأن سکونت در آن‌ها منجر به جاماندگی بافت‌های تاریخی از جمله محله فیض‌آباد از فرایند توسعه شهری و در نتیجه گسترش ابعاد فرسودگی در آن و به عبارتی تضعیف پیوند اجتماعی، کالبدی و عملکردی آن با کل شهر گردیده است.

۴. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از راهبرد موردکاوی و در دو مرحله به انجام رسیده است. در ابتدا به صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق مطالعات اسنادی به تدوین چارچوب نظری و فرضیه‌پردازی در مقیاس کلی و متعاقباً در ارتباط با مطالعه موردی تحقیق (فرایند توسعه شهر کرمانشاه) پرداخته و سپس به منظور اعتبارسنجی و تأیید فرضیه و البته تدقیق جزئیات مرتبط به آن با بهره‌گیری از نظرسنجی از افراد خبره تکمیل شده است. همچنین لازم به توضیح است که روش تجزیه و تحلیل دادگان در این پژوهش از نوع کمی بوده و مولفه‌های اقتباس شده از چارچوب نظری در قالب یک پرسشنامه محقق‌ساخت با سوالات بسته در معرض وزن‌دهی و امتیازدهی افراد متخصص در حوزه معماری و شهرسازی با میزان تسلط کافی در خصوص بافت قدیم شهر کرمانشاه قرار گرفت. تعداد افراد پاسخگو ده نفر بود که به صورت هدفمند و در دسترس با بهره‌گیری از تکنیک گلوله برفی انتخاب شدند. همچنین از مقیاس اندازه‌گیری پنج گزینه‌ای لیکرت برای

شکل ۴: روند تغییر اندازه افقی هسته تاریخی شهر کرمانشاه در دوره‌های مختلف



بدنه خیابان و انزوای بافت‌های دورتر نظیر محله فیض‌آباد منجر شد. متعاقباً با وقوع انقلاب اسلامی، و نیز وقوع آسیب‌های گسترده ناشی از جنگ تحمیلی، بافت محله فیض‌آباد عملاً از ساکنین اصلی خود تخلیه گردید و بافت اجتماعی محله به واسطه سکنی‌گزینی مهاجرین در آن تغییر کرده و با یک گسست اجتماعی آشکار درگیر شد. به گونه‌ای که جمعیت این محله در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۷۴۹ نفر، در سال ۱۳۷۵ حدود ۵۵۹۱ نفر، در سال ۱۳۸۵ به ۴۸۳۵ نفر و در سال ۱۳۹۵ به ۲۵۰۸ نفر رسیده که این سیر بارز نزولی نشان‌دهنده مرکز‌گریزی و مهاجرت شهروندان از این محله می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در وضعیت موجود و از بُعد کیفیت کالبدی نیز عمدتاً غلبه با ساختمان‌های مخروبه، متروکه و با قدمت بالا است.

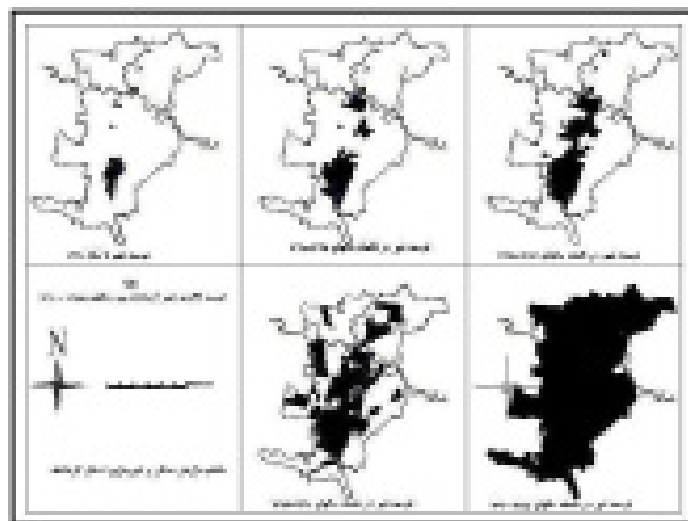
یکی از قدیمی‌ترین محله‌های^۸ کرمانشاه که تحت تأثیر شدید تبعات توسعه فیزیکی قرار گرفته محله معروف فیض‌آباد به مساحت حدود ۳۲.۶۴ هکتار (قریب به ۱۲ درصد از هسته تاریخی ۲۸۵ هکتاری شهر کرمانشاه) واقع در شمال شرقی بازار قدیم شهر است (شکل ۶). این محله که از اولین هسته‌های تشکیل‌دهنده شهر به شمار می‌آید به دنبال وقوع اقدامات متعدد تکنوکراتی^۹ در بافت‌های شهری در دوره‌های مختلف به خصوص پهلوی اول و دوم و نیز پدیده‌هایی نظیر اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، آسیب‌های متعدد با عمق و گستردگی فراوان را متحمل شده است. به عنوان مثال در دوره پهلوی اول، احداث خیابان سپه سابق به قطع شاخه‌های اصلی بازار سنتی و در نتیجه رونق بافت‌های شهری نزدیک به

جدول ۲: تحولات جمعیتی و تغییرات مساحت شهر کرمانشاه

سال	مساحت (هکتار)	جمعیت	درصد رشد سالانه مساحت	درصد رشد سالانه جمعیت	تراکم جمعیت	سرانه ناخالص (مترمربع)
۱۳۳۵	۳۰۳	۱۲۵۴۳۹	-	-	۴۱۴	۴۲.۲
۱۳۴۵	۹۲۸	۱۸۷۹۳۰	۱۱.۸	۴.۱	۲۰۳	۹۴.۴
۱۳۵۵	۱۴۴۹	۲۹۰۶۰۰	۴.۶	۴.۵	۲۰۱	۴۹.۹
۱۳۶۵	۳۲۲۱	۵۶۰۵۱۴	۸.۳	۶.۸	۱۷۴	۷۵.۵
۱۳۷۵	۷۸۰۶	۶۹۲۹۸۶	۹.۳	۲.۱	۸۹	۱۱۲.۶
۱۳۸۵	۹۶۹۹	۷۸۴۶۰۲	۲.۲	۱.۲	۸۱	۱۲۳.۶
۱۳۹۰	۱۰۰۰۰	۸۵۵۶۳۸	۰.۶	۱.۷	۸۶	۱۱۶.۹

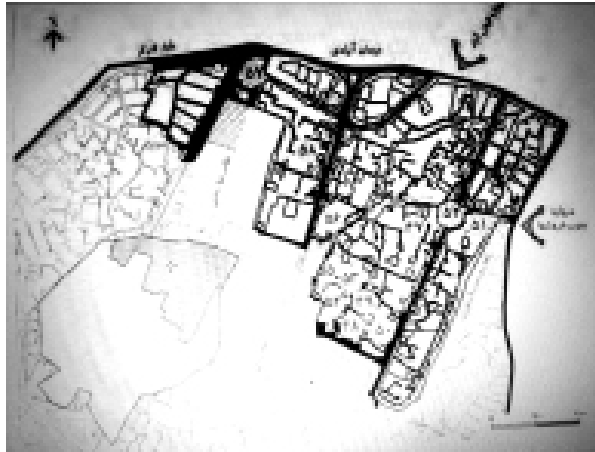
(طرح جامع کرمانشاه، ۱۳۸۲)

شکل ۵: مراحل توسعه کالبدی شهر کرمانشاه



(مهندسین مشاور طرح و آمایش، ۱۳۷۸)

شکل ۶: موقعیت محله فیض آباد در بافت قاجاری شهر کرمانشاه



(برومندسرخایی، ۱۳۸۸، ۱۹۴)

۶. یافته‌ها

و جنوب شهر کشیده شد. با این توضیح که در واقع بیانگر نمود عملی مدل نظری مقاله حاضر (شکل ۳) در ارتباط با بافت تاریخی شهر کرمانشاه علی‌الخصوص پیامدهای توسعه متصل شهر در ارتباط با بافت تاریخی آن می‌باشد می‌توان ادعا کرد که رشد فیزیکی و بدون برنامه شهر در دوره‌های مختلف، عامل اصلی جاماندگی از فرایند توسعه گردیده و آن را به ورطه فرسودگی کشانده که از تبعات آن باید به عدم وجود زیرساخت‌های اساسی به خصوص شبکه عبور و مرور مناسب، خدمات درمانی و بهداشتی حداقلی، کمبود کاربری‌های فرهنگی و آموزشی و نیز فقدان فضای سبز لازم در بافت مورد بحث اشاره کرد. نوع توسعه اخیر شهر کرمانشاه از نوع متصل بوده و چنانچه پیشتر بیان شد از مهمترین تبعات منفی این نوع از توسعه، شکل‌گیری عرصه‌های وسیع حاشیه در رقابت با بافت مرکزی است. این اتفاق عملاً با ایجاد محلات بزرگ مقیاس نظیر شهرک‌های تعاون، کارمندان، مسکن و ... به عنوان نقاط جاذب جمعیت شهر رخ داده و با کاهش شدید تمایل به ساخت و ساز در بافت قدیم و افزایش مهاجرت ساکنان آن به محلات جدید باعث خروج ساکنان بومی بافت مرکزی و جایگزینی نسبی آنها با اقشار کم درآمد و مهاجر روستایی و در نتیجه شکل‌گیری معضلات اجتماعی به واسطه افزایش فاصله طبقاتی گردیده است. فرآیند رتبه‌بندی مولفه‌های مستخرج از مدل نظری پژوهش به واسطه نظرسنجی از افراد خبره در قالب یک درخت تصمیم‌گیری در شکل ۷ قابل مشاهده بوده و نتایج حاصل از آن در جدول ۴ دسته‌بندی گردیده است. با این توضیح که دادگان حاصل از توزیع پرسشنامه بین افراد خبره که در بخش روش‌شناسی پژوهش، توضیح داده شد مورد تحلیل عددی قرار گرفته و پس از نرمال کردن امتیازات نهایی هر آیتم (میانگین امتیازات داده شده توسط جمیع خبرگان به هر مورد) در مقایسه با هم ارائه شد. خروجی این تحلیل بیانگر آن است که بر هم خوردن تعادل شهر، شکل‌گیری عرصه‌های وسیع در رقابت با بافت مرکزی

بررسی اسناد بالادستی و همچنین نظرات مدیران شهری و البته مطالعات میدانی انجام شده در این تحقیق، معضلات متعدد و فرسودگی محله فیض‌آباد را در ابعاد مختلف تایید می‌کند. مشاهده ریزدائگی، نفودناپذیری و ناپایداری محیطی در وضعیت کنونی این بافت بر اهمیت بحران فرسودگی آن تاکید داشته و نشان می‌دهد که هر چقدر اندازه شهر به لحاظ فیزیکی افزایش یافته و جریان طبیعی زندگی به حاشیه سوق یافته درجه فرسودگی مرکز شهر و عمق آن تشدید شده است. در این رابطه، با وجود اراضی خالی متعدد و فرصت توسعه درونی در کل بافت قدیم و نیز محله فیض‌آباد، بی‌توجهی به این مهم در دوره‌های تاریخی مختلف به تشدید فرسودگی در تمامی ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی آن منجر شده و مداخلات کالبدی، صرفاً گسست اجتماعی و مشکلات کالبدی و زیست محیطی را افزایش داده است. حتی تغییرات ظاهری نظیر خیابان‌کشی‌های جدید در ارتباط با خیابان سپه، بازار و سبزه‌میدان نیز نتوانسته محله را از انزوا خارج کرده و یا هویت گمشده آن را آشکار ساخته و با غلبه بر ابعاد فرسودگی، تصور ذهنی شهروندان و ساکنین را بهبود بخشد. لذا می‌توان عنوان کرد که در دوره قاجار علی‌رغم توسعه‌های کالبدی گسترده، زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی لازم، توسعه نیافت. همچنین در دوره پهلوی اول، با چندپاره‌سازی محلات از طریق خیابان‌کشی‌های متعدد، انزوای محلات تاریخی رو به فزونی نهاد. با ادامه مداخلات در دوره پهلوی دوم نیز که به ساخت و سازهای کلان مقیاس و بزرگ شدن اندازه شهر منجر شد توسعه خطی در امتداد خیابان‌کشی‌های جدید پدید آمد و پس از انقلاب اسلامی نیز سهم زمین‌های خالی و مخروبه در بافت قدیم به دنبال جاماندگی از فرایند توسعه شهر، افزایش یافته و جهات توسعه به سمت شهرک‌های تازه تاسیس در شمال

مطرح شده در ادبیات تحقیق بوده و در مقیاس خرد و چهارچوب نمونه مورد بررسی، قابل مقایسه با تحقیقات مشابه از مناظر مختلف است. در این رابطه، عوامل موثر در این تحقیق عمدتاً در تحقیقاتی با مطالعات موردی مشابه از جمله شهرهای مهاجرپذیر، توسعه نیافته، مرزی و متأثر از جنگ تحمیلی ایران قابل بحث است و به همین جهت می‌توان ادعان داشت که وجود یا فقدان هر یک از عوامل زمینه‌ساز مسئله در مطالعات مختلف، می‌تواند به نتایج متفاوتی منجر شود. لذا باید تأکید کرد عوامل عمده‌ای که خارج از روندهای مطالعاتی مشابه در شهرهای دیگر بر شهر کرمانشاه اثرگذار است عبارتند از: خرابی‌های شدید دوران هشت ساله جنگ تحمیلی و بحران‌های اجتماعی ثانویه ناشی از آن که در معیت با نحوه واگذاری اراضی، رشد کالبدی بی‌رویه در جهات مختلف جغرافیایی شهر و نیز مهاجرت‌های روستاییان به عنوان عوامل مشترک مطالعاتی، مورد بررسی قرار گرفته است. توضیح این‌که در اکثر پژوهش‌های مشابه، عموماً یک یا چند یک از عوامل، وجود نداشته و یا با افتراقاتی به نتایج متفاوتی منجر شده است.

و البته افزایش هزینه‌های نگهداری شهر، پیامدهای تأثیرگذارتری هستند. این آیتم‌ها با تبعات ثانویه‌ای نظیر خروج بافت قدیم از روند توسعه، کمبود خدمات محله‌ای و دسترسی‌های نامناسب، خروج بافت از متن به حاشیه، افزایش مهاجرت و شکاف طبقاتی همراه است که این مسئله کاملاً با مشاهدات میدانی مطابقت دارد. پیرو آن بحران‌های اجتماعی و امنیتی، عدم امکان نظارت بر محله و کاهش ساخت و ساز نمایان شده و شدت تأثیرشان افزایش یافته است. همچنین ایجاد شهرک‌های متصل به محدوده اسمی شهر و نیز شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی از جمله شهرک چمن زین‌العابدین و جعفرآباد از دیگر پیامدهای اصلی توسعه شهر به حساب می‌آید که تبعات ثانویه آن در برگیرنده معضلات فرهنگی و بحران‌های متعدد اجتماعی و امنیتی است که محیط کالبدی - اجتماعی شهر کرمانشاه را تحت تأثیر قرار داده اند.

۷. بحث

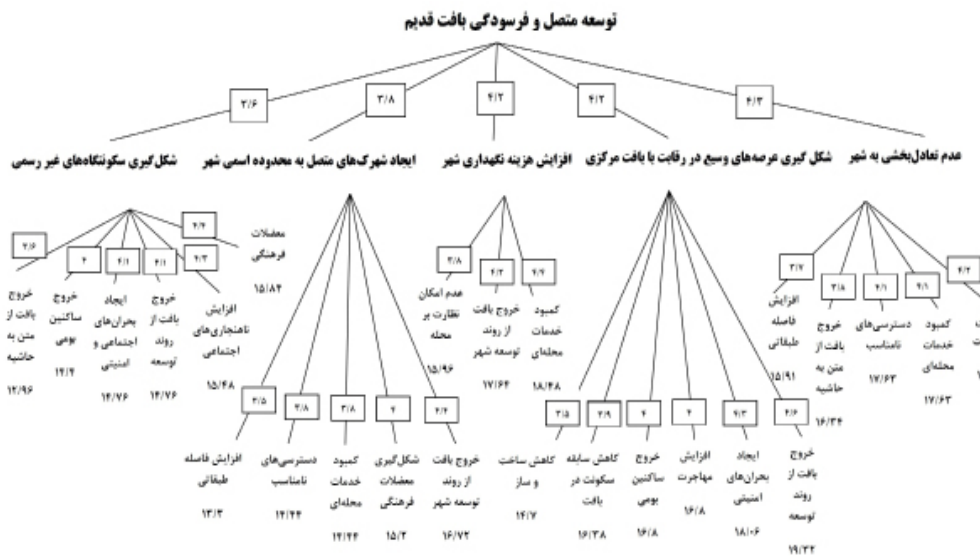
یافته‌های این پژوهش در مقیاس کلان، همسو با نظریات

جدول ۳: مراحل توسعه شهر کرمانشاه و پیامدهای مثبت و منفی آن بر بافت قدیم در دوره‌های مختلف تاریخی

دوره زمانی	جهت توسعه	عامل توسعه	پیامدهای مثبت توسعه شهر بر بافت مرکزی	پیامدهای منفی توسعه شهر بر بافت مرکزی
زنده	جنوب رودخانه آبشوران و سرتپه	تخریب قلعه قدیمی شهر و کوچاندن مردم	بُعد کالبدی: شکل‌گیری هسته اولیه شهر با پیوند سه روستای برزه دماغ، چنایی و فیض‌آباد - شکل‌گیری بخشی از بازار اصلی شهر در محله فیض‌آباد	ابعاد کالبدی و اجتماعی: تخریب زیست‌بوم اولیه شهر و از میان رفتن هسته‌های کالبدی - اجتماعی کهن
قاجاریه	جنوب و جنوب غرب (چپاسور) شمال شرقی (پل سیدجمعه)	افزایش جمعیت، توجه حاکمیت به توسعه و رونق شهر، افزایش نقش ارتباطات تجاری - مذهبی - حکومتی شهر	بُعد کالبدی: توسعه بافت به خارج از مرزهای دیوار سال ۱۸۵۰ میلادی، شکل‌گیری محلات جدید (آبشوران، علافخانه، گاری‌خانه و درب طویله)، توسعه شاخه‌های بازار و گسترش عملکرد تجاری به درون بافت، تحکیم نقش محله فیض‌آباد در استخوان‌بندی اصلی شهر، افزایش سطح کاربری‌های مسکونی در تمامی جهات، افزایش دسترسی‌های درون و بیرون بافت	بُعد اجتماعی: عدم رشد زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی لازم علی‌رغم توسعه کالبدی در برخی جهات
			بُعد اجتماعی: شکل‌گیری محلات براساس همبستگی‌های قومی - مذهبی - فرهنگی، تثبیت نقش اجتماعی شهر در تحولات فرهنگی - سیاسی کشور	

دوره زمانی	جهت توسعه	عامل توسعه	پیامدهای مثبت توسعه شهر بر بافت مرکزی	پیامدهای منفی توسعه شهر بر بافت مرکزی
پهلوی اول	بافت جنوب	تخریب دروازه‌های شهر، خیابان‌های متعدد درون بافت، احداث کنسولگری‌های بریتانیا و روسیه به عنوان عناصر کالبدی مؤثر بر تجددخواهی حاکمیت و ایجاد گسست کالبدی در بافت، تزریق کاربری‌های اداری و حکومتی جدید	ابعاد کالبدی و اجتماعی: شکل‌گیری بدنه‌های مدرن شهری و عملکردهای نوین نظیر ادارات، بانک‌ها و سایر کارکردهای دولتی.	بُعد کالبدی: شکل‌گیری محلات جدید در توسعه بخش جنوبی بافت، گسست کالبدی و تخریب محلات و گذرهای قدیمی، قطع گذرهای ارگانیک بافت و تحمیل شبکه دسترسی‌های جدید، ایجاد بدنه‌های تجاری جدید (خیابان سپه و ...)، قطع شاخه‌های اصلی بازار، تخریب دروازه‌های محلات بُعد اجتماعی: شروع گسست اجتماعی محلات، آغاز انزوای محلات قدیمی، متروکه شدن فضاهای اجتماعی و فرهنگی قدیم به واسطه ایجاد زندگی جدید در بدنه‌های تجاری جدید، کاهش همبستگی‌های اجتماعی محلات، افت کیفیت زیست در محلات قدیم.
پهلوی دوم	مزارع و باغات جنوبی (اوایل دوره) و در تمامی جهات به خصوص شمال و جنوب (اواسط و اواخر دوره)	معماری، طراحی شهری و ساخت و ساز در مقیاس کلان، جداسازی کاربری‌های عمومی و مسکونی، تزریق کاربری‌های جدید، توسعه معابر با اولویت سواره، افزایش مهاجرت روستائیان به شهر در اواخر دوره	ابعاد کالبدی و اجتماعی: تلاش برای هماهنگ‌سازی بافت شهری و عملکردهای آن با شیوه نوین زندگی.	بُعد کالبدی: توسعه قطاعی و شبکه‌ای بافت شهر در اطراف بافت قاجاری و پهلوی اول، بزرگ شدن اندازه شهر به واسطه جداسازی پراکنده عملکردها، تخریب و تعریض گسترده معابر، توسعه خطی شهر در امتداد خیابان‌های کشی‌های جدید. بُعد اجتماعی: انزوای بیشتر محلات قدیم به واسطه بی‌توجهی به نقش بافت قدیم در فرایند توسعه، جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، کاهش نقش فضاهای عمومی و باز شهری در مقابل فضاهای خصوصی، کاهش میزان تعاملات اجتماعی به دلیل نبود بستر کالبدی لازم، تغییر ماهیت اجتماعی و فرهنگی بافت به واسطه مهاجرت روستائیان در اواخر دوره.
پس از انقلاب اسلامی	گسترش وسیع به سمت شمال و جنوب شهر (به صورت غیرمرتبط با بدنه اصلی بافت)	تحول ساختار فرهنگی و کالبدی شهر، افزایش بی‌سابقه جمعیت (دهه ۶۰)، مهاجرت گسترده روستائیان به شهر، مهاجرت ساکنین اصلی بافت به خارج استان، خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی، واگذاری‌های گسترده زمین و شهرک‌سازی‌های بی‌رویه، افزایش سهم تملک‌های دولتی و کاربری‌های اداری	بُعد اجتماعی: واگذاری زمین‌های تعاونی به اقشار کمتر برخوردار جهت ساخت و ساز مسکونی.	بُعد کالبدی: متروکه شدن بافت قدیم و تخریب هر چه بیشتر کالبد، افزایش سهم زمین‌های خالی و مخروبه در بافت، اشغال زمین‌های زراعی و باغات، تجاوز به حریم‌های میراث فرهنگی، افزایش بیش از حد اندازه فیزیکی شهر، افزایش مشکلات زیست محیطی و آلودگی‌های ناشی از تخریب محیط زیست. بُعد اجتماعی: کاهش شدید شأن و منزلت محلات و بافت‌های قدیمی، کاهش شأن سکونت در محله‌ها، کاهش میزان همبستگی‌های اجتماعی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، جاماندگی بافت از فرایند توسعه و تخریب تصور ذهنی شهروندان از بافت قدیم.

شکل ۷: درخت تصمیم‌گیری در ارتباط با تبعات توسعه متصل بر بافت قدیم شهر کرمانشاه



جدول ۴: رتبه‌بندی پیامدهای منفی توسعه متصل در ارتباط با فرسودگی بافت قدیم شهر کرمانشاه ارتباط با

ترتیب اهمیت	پیامد اصلی	درصد اهمیت	تبعات ثانویه به ترتیب اهمیت	درصد اهمیت
۱	عدم تعادل بخشی به شهر	۲۱.۳۹	افزایش مهاجرت	۴.۴۹
۲	شکل‌گیری عرصه‌های وسیع در رقابت با بافت مرکزی	۲۰.۹۰	کمیود خدمات محله‌ای	۴.۳۹
			دسترس‌های نامناسب	۴.۳۹
			خروج بافت از متن به حاشیه	۴.۰۶
			افزایش فاصله طبقاتی	۳.۹۶
			خروج بافت از روند توسعه شهر	۴.۸۱
			ایجاد بحران‌های اجتماعی و امنیتی	۴.۴۹
			افزایش مهاجرت	۴.۱۸
			خروج ساکنان بومی	۴.۱۸
			کاهش سابقه سکونت در بافت	۴.۰۷
			کاهش ساخت و ساز	۳.۶۶
۳	افزایش هزینه نگهداری شهر	۲۰.۹۰	کمیود خدمات محله‌ای	۴.۶۰
			خروج بافت از روند توسعه شهر	۴.۳۹
			عدم امکان نظارت بر محله	۳.۹۷

ترتیب اهمیت	پیامد اصلی	درصد اهمیت	تبعات ثانویه به ترتیب اهمیت	درصد اهمیت
۴	ایجاد شهرک‌های متصل به محدوده اسمی شهر	۱۸,۹۱	خروج بافت از روند توسعه شهر	۴,۱۶
			شکل‌گیری معضلات فرهنگی	۳,۷۸
			کمبود خدمات محله‌ای	۳,۵۹
			دسترسی‌های نامناسب	۳,۵۹
			افزایش فاصله طبقاتی	۳,۳۱
۵	شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی	۱۷,۹۱	شکل‌گیری معضلات فرهنگی	۳,۹۴
			افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی	۳,۸۵
			خروج بافت از روند توسعه شهر	۳,۶۷
			ایجاد بحران‌های اجتماعی و امنیتی	۳,۶۷
			خروج ساکنان بومی	۳,۵۸
			خروج بافت از متن به حاشیه	۳,۲۲

دارد، مهاجرت‌های متعاقب و معضلات فرهنگی رایج بین ساکنین جدید در کنار تبعات ناشی از مدل‌های توسعه پیشین، بررسی گردیده و دوم آنکه نقش دوره‌های تاریخی و تاثیر اقدامات صورت گرفته در هر یک از آنها بر عوامل توسعه و پیامدهای آن بر بافت تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. بنابراین، شدت اثرگذاری و هم‌افزایی مجموعه عوامل مشترک و منحصر به شهر کرمانشاه بر ایجاد فرسودگی و گسترش ابعاد آن در این شهر، مورد توجه بوده و سعی بر آن شده تا میزان نقش مولفه‌های متعدد موثر بر شروع روند فرسایش و شدت آن به صورت جامع مورد تحلیل قرار گیرد. چرا که به نظر می‌رسد در این مورد خاص، عدم توجه به ظرفیت‌های درونی بافت مرکزی و نیز عدم به روزرسانی زیرساخت‌ها و امکانات هسته تاریخی شهر در مقایسه با سایر شهرهای کشور از شدت و اهمیت بیشتری برخوردار باشد.

۸. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی ارتباط بین نتایج حاصل از تبعات منفی توسعه شهری بدون برنامه با چرخه فرسودگی بافت‌های مرکزی شهر معطوف شده که با مطالعات مفصل اسنادی و متعاقباً میدانی در پی تدقیق ساختار ارتباطی مذکور و تعیین نقش و تاثیر هر یک از عوامل مرتبط در این رابطه بوده است. مطالعه تحولات کالبدی و جمعیتی شهر کرمانشاه و بویژه محله فیض‌آباد نشان می‌دهد که اولاً گسترش اندازه شهر در دوره‌های مختلف تاریخی هیچ تناسب و سنخیتی با نرخ رشد جمعیت نداشته و سیاست گذاری‌های غلط در خصوص واگذاری زمین و رشد شهر

به گونه‌ای که در برخی از جمله تحقیق کوچکی (۱۳۸۶) در ارتباط با شهر بوشهر، عدم توجه به شرایط اقلیمی و اثرات جنگ به عنوان عامل اساسی لحاظ شده و در مواردی مانند شهر خرم‌آباد، توسعه فیزیکی نامتناسب (وفایی، ۱۳۸۶) و در ارتباط با شهر قزوین، توسعه به همراه مهاجرت (یوسفی، ۱۳۸۷) عامل اساسی فرسودگی بافت قدیم قلمداد گردیده است. تقوایی و دیگران (۱۳۹۱) نیز کمبود خدمات محله‌ای و وضعیت نابسامان اقتصادی ساکنین شهر شیراز را به عنوان عامل اصلی فرسودگی بافت تاریخی آن معرفی می‌نمایند. پژوهش وحدانی چرزه خون و همکاران (۱۳۹۸) نیز صرفاً نقش توسعه و ساخت و ساز در حومه‌ها را بر مراکز شهری تبیین نموده و به کلیت ایجاد اثرات نامطلوب فرسایشی بر بافت قدیم اشاره می‌نماید. همچنین عندلیب و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود، گسترش ابعاد فرسودگی بافت مرکزی شهر تهران را ناشی از فراموش‌شدگی بافت تاریخی و تابعی از قیمت زمین و البته تحت تاثیر نفوذ زمین خواران معرفی می‌کنند. حال آن که در پژوهش حاضر، مجموعه‌ای از اقدامات توسعه‌ای ناکارآمد، ویرانه‌های کالبدی ناشی از جنگ تحمیلی و اثرات منفی روانی و اجتماعی حاصل از آن، مهاجرت ساکنین اصلی بافت و جایگزینی توسط ساکنین جدید از طبقه فرهنگی و اقتصادی نامتجانس با پیشینه محله از جمله دلایل شروع روند فرسایش و افزایش شدت فرسودگی بافت تاریخی بویژه در محله فیض‌آباد شناسایی شده است. همچنین در اینجا به دو موضوع مهم باید اشاره کرد: یکی آن که نقش عامل مهم جنگ تحمیلی که نمود بارزی در شهر مرزی کرمانشاه

محل‌های و دسترسی‌های نامناسب، خروج بافت قدیم از متن به حاشیه و نهایتاً شکاف طبقاتی متناظر است. لذا بر مبنای نتایج به دست آمده می‌توان اذعان داشت که بر هم خوردن تعادل شهری و عدم توسعه متوازن و هماهنگ با شکل‌گیری عرصه‌های وسیعی در حاشیه شهر و در رقابت با بافت مرکزی، مقاصد جدید مهاجرتی و سکونتی شهروندان را شامل شده و با گسترش بی‌رویه اندازه شهر و تبعات ناشی از آن، هزینه‌های نگهداری شهر را افزایش داده‌اند. این امر بر مساعد شدن زمینه برای تثبیت شهرک‌های جدید متصل به محدوده اسمی شهر و حتی شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی دلالت می‌نماید. در نهایت راهبردهای پیشنهادی در خصوص القای محرک‌های توسعه به بافت قدیم از منظر رتبه‌بندی انجام شده و به شرح زیر اقتباس و ارائه شد:

بعد کالبدی: اتصال کالبد ارزشمند بافت قدیم به کالبد جدید از طریق طراحی اتصالات میانی بافت و بهره‌گیری از فضاهای خالی، مخروبه و یا متروکه (توسعه درونی)، افزایش نفوذپذیری بافت قدیم با ایجاد دسترسی مناسب و تعریض معابر قابل اصلاح و سنگفرش نمودن آن‌ها، افزایش کیفیت کالبد معماری و ارتقاء کیفیت منظر مصنوع.

بعد اجتماعی: تشخیص بخشی به شأن سکونت در بافت مرکزی، ارتقاء احساس دلبستگی به مکان از طریق تشکیل سراهای محله و سایر کاربری‌های جمعی، تاکید بر نقش شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت‌های اجتماعی.

بعد اقتصادی: تزریق فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و جاذب جمعیت به منظور ارتقاء سطح مبادلات اقتصادی و هدایت جریان سرمایه به بافت قدیم، تشویق به سرمایه‌گذاری در بافت از طریق محرک‌های توسعه نظیر بازار سنتی و احیاء سراه‌ها و تیمچه‌ها.

بعد زیست‌محیطی: ارتقاء کیفیت زیست در بافت قدیم به وسیله احیاء منظر طبیعی و ارزشمند درونی آن.

در تمامی جهات مخصوصاً شمال و جنوب در این زمینه تأثیر بسیار داشته است. ثانیاً تغییر ماهیت محله از منطقه فرادستان به فرودستان، بحران‌های اجتماعی و فرسایش کالبدی محیط، خانوارهای ساکن را در جستجوی مسکن مناسب و محیط مناسب‌تر به سایر مناطق و محله‌های توسعه‌یافته کوچ داده و حتی منجر به مهاجرت ساکنین اصلی بافت قدیم به خارج از استان و ورود مهاجرین از اقشار عمدتاً روستایی شده است که علی‌رغم پتانسیل تنوع خرده فرهنگ‌ها در ذیل فرهنگ غالب شهر به گسست اجتماعی و تضادهای فرهنگی شدید، شکاف طبقاتی و به تبع آن، محیط کالبدی مضمحل منجر گردیده است. با این اوصاف، طبیعی است که شکل‌گیری راه‌ها و تزریق زیرساخت‌ها و خدمات به محلات جدید در فاصله زیاد با مرکز شهر، عملاً هزینه‌های بسیاری را به مدیریت شهری تحمیل نموده و در دراز مدت نیز به افزایش هزینه‌های نگهداری منجر گردیده و این خود، مزید بر کاهش نظارت بر بافت میانی می‌شود. لذا به منظور حل معضلات گسترده این بافت باید چشم‌اندازی روشن از فرایند توسعه شهر کرمانشاه با اولویت بهسازی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی تهیه و نقش محلات قدیمی از جمله فیض‌آباد در فرایند توسعه آتی شهر تدقیق شود. نتایج این پژوهش که به واسطه نظرسنجی از خبرگان و تشکیل یک درخت تصمیم‌گیری بر مبنای امتیازات ارائه شده توسط آن‌ها حاصل شد به ترتیب بر عدم تعادل بخشی به شهر، شکل‌گیری عرصه‌های وسیع در رقابت با بافت مرکزی، افزایش هزینه نگهداری شهر، ایجاد شهرک‌های متصل به محدوده شهری و شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی به عنوان مهمترین پیامدهای توسعه متصل تاکید دارد که همگی به نوعی با بر هم خوردن تعادل شهر به مثابه اصلی‌ترین عارضه و علت سایر معضلات مرتبط می‌شوند و این عدم تعادل به نوبت خود با موارد افزایش مهاجرت، کمبود خدمات

پی‌نوشت

1. Christopher Alexander
2. Comillo Sitte
3. Luca Beltrami
4. Robert E. Park
5. John Ruskin
6. Smart growth
7. Improvement

۸. اسامی محلات بافت قدیم کرمانشاه عبارتند از: فیض‌آباد، برزه‌دماغ، توپخانه، چنانی و علاف‌خانه

۹. در لغت به معنای فن‌سالاری است. در اینجا به معنای اعمال سلطه مدیریتی و حاکمیتی پهلوی اول در بافت‌های سنتی شهری به منظور از بین بردن مظاهر زندگی سنتی از شهرهای ایران است

فهرست منابع

- احدنژاد، محسن؛ قاسمی، اکرم و کاظمی، لیلیا. (۱۹۳۱). «استفاده از الگوی استراتژی توسعه شهری در برنامه‌ریزی کاربری فضای سبز (مطالعه موردی: منطقه یک شهر زنجان)». فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۶(۹۱)، ۱۲-۷. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=219719>
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۷۳). تئوری جدید طراحی شهری. (ترجمه واحد تحقیق و ترجمه شرکت طاش). تهران: نشر توسعه.
- ایزدی، محمدسعید و امیری، نگین. (۱۳۹۵). «توسعه درونی، الگویی متوازن، متعادل و پایدار برای توسعه و ارتقاء کیفی شهر، برنامه ریزی برای توسعه مجدد اراضی نظامی درون شهری». باغ نظر، ۳۱(۱۴)، ۶۴-۵۳. http://www.bagh-sj.com/article_32947.html
- برومند سرخابی، هدایت‌اله. (۱۳۸۳). در جستجوی هویت شهری کرمانشاه، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. پوراحمد، احمد و شماعتی، علی. (۱۳۸۰). «اثرات توسعه فیزیکی شهر یزد بر جمعیت بافت قدیم شهر». نامه علوم اجتماعی، ۹(۱۸)، ۳-۳۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=8167>
- تقوایی، مسعود و سربابی، محمدحسین. (۱۳۸۳). «گسترش افقی شهرها و ظرفیت‌های موجود زمین (مورد: شهر یزد)». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۹۱(۳۷)، ۱۲-۷۸۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=52633>
- تقوایی، مسعود؛ رضایی، نعمت‌اله و وارثی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). «ساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)». مجله علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، ۲(۶)، ۶۵۱-۹۲۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=52633>
- توکلی نیا، جمیله و محمدی، علیرضا. (۱۳۸۹). «فرسایش کالبدی کارکردی در بافت مرکزی شهرها اهداف و اصول راهبردی بهسازی، نوسازی و بازسازی مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر زنجان». پژوهش‌های دانش زمین، ۱(۱)، ۴۵-۵۳. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=148464>
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۵). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۹). مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- درخشان، صلاح‌الدین. (۱۳۸۸). توسعه درون شهری. مشهد: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد.
- رهنما، محمدرحیم و عباس‌زاده، غلامرضا. (۱۳۸۷). اصول، مبانی و مدل‌های سنجش فرم کالبدی شهر. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۴). «اندیشه‌های خام شهرسازی. مجله هنرهای زیبا». ۱(۱)، ۶۳-۱۳. https://jhz.ut.ac.ir/article_15825.html
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۳). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان. تهران: مؤسسه فرهنگی سپها.
- شاهینی‌فر، مصطفی. (۱۳۹۵). «تحلیل الگوی شکل پایدار شهر کرمانشاه با استفاده از روش‌های کمی». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۸۴(۶۹)، ۸۴۳-۳۳۳. https://jhgr.ut.ac.ir/article_55179.html?lang=fa
- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۲). تراکم در شهرسازی، اصول و معیارهای تعیین تراکم شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۲). اصول نوسازی شهری، رویکردی نو به بافت‌های فرسوده. تهران: انتشارات آذرخش.
- عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۶). فرایند نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران. تهران: نشر ری‌پور.
- غمامی، مجید. (۱۳۷۱). «بررسی و نقد اجمالی طرح‌های جامع شهری». مجله آبادی، ۲(۷)، ۲۳-۴۲. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=58287>
- فرخ زنوزی، عباس. (۱۳۸۴). «مراکز ارزشمند تاریخی در کلان‌شهرهای ایران (چالش‌ها و راهکارها)». مجله جستارهای شهرسازی، ۲۱(۴)، ۳۰۱-۲۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/330498>
- قدیری معصوم، مجتبی. (۱۳۷۹). «سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۴۴(۶۵۱)، ۶۱-۱۰۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=10817>
- کوچکی، غلام. (۱۳۸۶). تحلیل ساختار کالبدی - فیزیکی بافت قدیم شهر خرم‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه اصفهان.
- طرح جامع کرمانشاه. (۱۳۸۲). معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- ملکی، سعید. (۱۳۸۲). «شهر پایدار و توسعه پایدار شهری». نشریه مسکن و انقلاب، ۲(۲۰۱)، ۴۵-۴۳. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=79892>
- مهندسین مشاور طرح و آمایش. (۱۳۷۸). طرح تجدید نظر طرح جامع کرمانشاه.
- وحدانی چرزه خون، حسن؛ امین زاده، بهناز و پارسی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). «شناسایی مراکز شهری با استفاده از فعالیت‌ها و عملکردهای شهری (نمونه پژوهشی مراکز شهری کلان شهر تبریز)». باغ نظر، ۳۱(۰۷)، ۷۱-۰۳. http://www.bagh-sj.com/article_84924.html
- وفايي، ابودر. (۱۳۸۶). تحلیل فرایند شکل‌گیری فرم کالبدی بافت قدیم شهر کاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه اصفهان.
- یوسفی، لیلیا. (۱۳۸۷). تحلیل فضایی بافت فرسوده شهری و آینده‌نگری آنها در محلات ریحان و خیابان شهر قزوین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی.
- Buliung R. N. (2011). Wired People in Wired Places: Stories about Machines and the Geographers, Annals of the Association of American Geographers, 101(6), 1365-1381. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00045>

- 608.2011.583568
- Chrysochoou, M. (2012). A GIS and Indexing Scheme to Screen Brownfields for Area-Wide Redevelopment Planning, *Landscape and Urban Planning*, (105), 187-198. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0169204611003616>
 - Cooke, P., & De Propris, L. (2011). A policy Agenda Aor Eu Smart Growth: the role of creative and cultural industries, *Policy studies*, 32(4), 365-375 <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01442872.2011.571852>.
 - Hawkins, C., V. (2011). Smart Growth Policy Choice: A Resource Dependency and Local Governance Explanation, *Policy Studies*, 39(4), 682-697. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1541-0072.2011.00427.x>
 - Hess, G., R. (2001). Just what is Sprawl, Anyway. https://www.researchgate.net/publication/228609876_Just_what_is_sprawl_anyway
 - Litman, T. (2005). Evaluating Criticism of Smart Growth, Victoria Transport policy Institute. <https://trid.trb.org/view/1424023>
 - Wassmer, R., W. (2002). Influences of the Fossilization of Land Use and Urban Growth, *Journal of the American Planning Association*, (55), 23-37. https://scholar.google.com/citations?view_op=view_citation&hl=en&user=IglfN0YAAAAJ&csstart=20&pagesize=80&citation_for_view=IglfN0YAAAAJ:mB3voiENLucC
 - Zhang, T. (2000). Land Market Forces and Government's Role in Sprawl, *Cities*, 17(2), 123-135. https://www.researchgate.net/publication/240428162_Land_Market_Forces_and_Government%27s_Role_in_Sprawl

نحوه ارجاع به این مقاله

بنی‌عامریان، حامد، عندلیب، علیرضا، جهانشاهلو، لعل. (۱۴۰۰). تأثیرات توسعه شهری بر گسترش ابعاد فرسودگی بافت‌های تاریخی مورد مطالعاتی: محله فیض‌آباد شهر کرمانشاه. *نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۱۴(۳۶)، ۱۸۹-۲۰۳.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.230533.2206

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_142366.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

